



منکرین معاد، آنان را به فطرتشان ارجاع داده و با تعبیر متعدد، قادر بودن خود بر احیاء مردگان را، دلیل بر امکان وقوع آن ذکر کرده است. «آیا نمی بینید آن خدایی که آسمان ها و زمین را آفرید و هرگز در خلقت آنها دچار ناتوانی نشد، قدرت دارد مردگان را دوباره زنده کند؛ آری البته او بر هر چیزی قادر و تواناست.»^(۳) و آیه «همانا فرمان خداوند به گونه ای است که همین که چیزی را اراده کند و به آن بگوید موجود شو، بلافاصله موجود می شود»،^(۴) مؤید این مطلب می باشند.

البته قرآن تنها به این پاسخ گویی و ارجاع به فطرت اکتفاء نکرده، بلکه با ارائه و بیان نمونه ها و

در بسیاری از اخبار و روایاتی که در رابطه با حضرت ولی عصر ارواحنا فداء وارد شده است، به احادیثی برمی خوریم که حکایت از زنده شدن و بازگشت بعضی از مردگان - در زمان حضرت مهدی (عج) یا پس از شهادت ایشان - به این دنیا دارد. مجموعه این اخبار و روایات بحث رجعت را به عنوان یکی از مسائل ضروری و انکارناپذیر مذهب تشیع، تشکیل می دهند.

به لحاظ این که اعتقاد به رجعت، از مختصات شیعه بوده و دیگر فرق اسلامی و حتی گروه اندکی

دلائل اثبات رجعت در اسلام

عباس سلیمی سیرجانی

مثال های متعدد، امکان تحقق زنده

شدن مردگان در این دنیا را متذکر شده است. اینک به بیان برخی از آن موارد می پردازیم.

داستان قوم موسی

به این داستان، در قرآن کریم فقط اشاره شده است. اجمال این داستان این است که در زمان حضرت موسی علیه السلام در بنی اسرائیل قتلی صورت می گیرد و قاتل شناخته نمی شود. برای پیدا کردن قاتل، حضرت موسی دستور می دهد که اولیاء دم گاوی بکشند و قسمتی از بدن گاو را به مقتول بزنند تا مقتول زنده شود آنان را از حقیقت مطلب آگاه کند. ابتدا بنی اسرائیل در برابر چنین دستوری تعجب کرده، آن را به مسخره و شوخی گرفتند. اما سرانجام پس از آن که مثل همیشه در انجام امر الهی تعلل ورزیدند و با بهانه های مختلف از خصوصیات و رنگ گاو سؤال کردند، فرمان حضرت موسی علیه السلام را انجام دادند و مقداری از بدن گاو را به بدن مقتول زدند، مقتول بلافاصله به اذن خداوند زنده شد و قاتل را معرفی کرد. قرآن کریم در این ارتباط می فرماید: پس گفتیم با قسمتی از آن گاو به او بزنید. خداوند مردگان را این گونه زنده می سازد و نشانه های خود را به شما می نمایاند؛ شاید عقل خود را به کار گیرید!^(۵)

این آیه شریفه، به روشنی بر وقوع رجعت و زنده شدن مرده ای، در یک رویداد خاص دلالت دارد.

داستان «عُزَیْر» پیامبر

نمونه دیگری که قرآن کریم در مورد زنده شدن مردگان در همین دنیا ذکر می کند داستان «عُزَیْر»، پیامبری از پیامبران بنی اسرائیل است. می فرماید: «یا به مانند آن کس (عزیر) که از دهکده ای عبور کرد که خراب و ویران شده بود. (با خود) گفت: خداوند چگونه این مردگان را دوباره زنده

از شیعیان، شدیداً آن را انکار کرده یا

مورد تردید قرار داده اند؛ بحث از رجعت، از حساسیت قابل ملاحظه ای برخوردار بوده و در حقیقت، هر کسی به نوعی نسبت به آن، اظهار نظر کرده و به شکلی آن را قبول یا رد نموده است.

ما در این مختصر، مفهوم رجعت و ادله قرآنی و روایی آن، همین طور نظریه علمای بزرگ شیعه در این رابطه، را به صورت فشرده، ارائه می دهیم.

واژه رجعت

رجعت در لغت به معنای برگشتن و بازگشت می باشد.^(۱) در اصطلاح عبارت است از این که خداوند برخی از شیعیان و دوستان حضرت مهدی (عج) را، که قبل از ظهور آن حضرت، از دنیا رفته اند، زنده می کند و به دنیا برمی گرداند تا این که به ثواب یاری آن حضرت و مشاهده دولت کریمه اش نائل شوند. همچنین گروهی از دشمنان ایشان را نیز برمی گرداند تا از آنان در همین دنیا، انتقام کشیده، به ایشان طعم ذلت را بچشاند.^(۲)

رجعت در قرآن

برای اثبات رجعت، ابتدا، به سراغ قطعی ترین و مستندترین دلیل و راهنما نزد مسلمانان، یعنی قرآن، می رویم تا ببینیم آیا قرآن نسبت به زنده شدن مردگان در این دنیا، نظری دارد و آیا آن را ممکن می داند یا خیر؟ و اگر آن را ممکن می داند، آیا به وقوع آن در اوقات گذشته هم، اشاره ای دارد یا نه؟ قرآن مسأله رجعت را کاملاً ممکن دانسته و جای هیچ شک و تردیدی در زنده شدن مردگان نمی بیند. از تمامی آیاتی که بر زنده شدن مردگان در قیامت دلالت دارد، می توان به عنوان دلیل برای زنده شدن مردگان در همین دنیا نیز استفاده کرد؛ چرا که همان خدایی که قادر به زنده کردن مردگان در آخرت، می باشد، می تواند مردگان را در همین دنیا نیز، دوباره خلعت حیات و زندگی بخشیده و آنان را زنده کند.

قرآن برای اثبات امکان زنده شدن مردگان و در پاسخ به شبهات





خواهد کرد؟! پس خدا او را صد سال میراند سپس او را زنده نمود و به او گفت: چه مدت در این جا درنگ کردی؟ جواب داد: یک روز و یا قسمتی از یک روز! خداوند فرمود: بلکه صد سال است که در این جا مانده‌ای! به خوراکی و نوشیدنی خود نظر کن که هیچ تغییر نکرده و به الاغت بنگر (که چگونه متلاشی گشته است) و ما تو را برای مردم حجت و دلیل قرار خواهیم داد. و به استخوان‌های (الاغت) بنگر که چگونه آن‌ها را به هم پیوسته و گوشت بر آن‌ها می‌پوشانیم. پس هنگامی که این کار برایش روشن و واضح گردید گفت: یقین دارم که خداوند بر هر کاری تواناست.»^(۶)

این آیه نیز، همچون آیه پیشین، حجتی روشن و برهانی قاطع بر وقوع رجعت در دنیا می‌باشد.

داستان اصحاب کهف

بنا به نقل قرآن کریم، اصحاب کهف مدت سیصد سال در یک غار به خواب رفتند و پس از بیداری وقتی که برای تأمین غذا به شهر آمدند، همه چیز را متحول یافتند و مردم نیز بدین وسیله از آن حادثه عجیب مطلع شدند.

«و این‌گونه ما مردم را بر احوال آن‌ها (اصحاب کهف) مطلع ساختیم تا بدانند وعده الهی حق است و در وقوع قیامت هیچ شکی نیست.»^(۷) بی شک بر اساس قوانین معمولی عالم طبیعت، خواب سیصد ساله ممکن نیست و لذا باید عاملی غیرطبیعی در این حادثه دخالت داشته باشد. معلوم است که فقط قدرت خداوند است که می‌تواند چنین حوادثی را بیافریند، چرا که قدرت و توان او محدود به امور مادی و قوانین طبیعت نیست. لذا هیچ بُعدی ندارد، آن خدایی که می‌تواند آدمی را به مدت سیصد سال در خواب فرو ببرد و سپس دوباره آنان را بیدار کنید، در قیامت و دنیا نیز می‌تواند انسان‌ها را از قبرها برانگیزد و مردگان را زنده کند.

احیاء مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام

گویاترین و بارزترین شاهد قرآنی بر زنده شدن مردگان در دنیا، زنده ساختن مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام می‌باشد. قرآن در آیات متعدّد، زنده شدن مردگان، توسط عیسی مسیح علیه السلام را به مخاطبین خود گوشزد می‌کند. تا هم قدرت خود را به آنان تفهیم کند و هم شک و ریب مخاطبین در خصوص زنده شدن مردگان در قیامت را از دل آنان بزداید. قرآن در این باره می‌فرماید: «و (خداوند) او (عیسی) را به سوی بنی اسرائیل فرستاد (که به آنان بگوید) من از طرف خداوند برای شما نشانه و آیتی آورده‌ام... و من به اذن خداوند، مرده‌ها را زنده می‌کنم...»^(۸) همچنین می‌فرماید: «آن

هنگام که خداوند به عیسی بن مریم فرمود: به یاد آور نعمتم را که به تو و مادرت عطا کردم... و این‌که به تو قدرت دادیم که مردگان را با اجازه ما از قبرها بیرون آوری و زنده‌شان سازی.»^(۹)

بنابراین آیات فوق به روشنی دلالت بر وقوع رجعت در امت‌های پیشین دارند.^(۱۰)

رجعت در سیره و تعلیمات اهل بیت علیهم السلام

رجعت از موضوعاتی است که امامان بزرگوار شیعه، همواره بر آن به عنوان یک اعتقاد اصیل تأکید می‌کردند. در ادعیه و زیارات مأثوره هم، رجعت به عنوان یکی از امور خدشه‌ناپذیر و اعتقاد راسخ مطرح شده است. به عنوان مثال، می‌توان از زیارت جامعه کبیره، که به تعبیر مرحوم علامه مجلسی، صحیح‌ترین و فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین زیارت‌ها می‌باشد^(۱۱)، نام برد. در فرازی از این زیارت می‌خوانیم: «من به شما ایمان دارم و بازگشتتان را باور دارم، رجعت شما را تصدیق می‌کنم، امر شما را انتظار می‌کشم و دولت شما را چشم به راهم.»^(۱۲) همچنین در فرازی از دعای عهد، که امام صادق علیه السلام درباره آن فرمودند: هر کس آن را در زمان غیبت، چهل روز صبح بخواند از یاران حضرت مهدی (عج) می‌شود و اگر پیش از ظهور ایشان از دنیا برود، خداوند او را به هنگام ظهور، زنده کرده و باز می‌گرداند، می‌خوانیم «خدایا اگر مرگ - که آن را بر همه بندگان قطعی و مسلم کرده‌ای - میان من و ظهور مولایم جدایی بیاندازد، مرا از قبر بیرون آور در حالی که کفنم را به خود پیچیده، شمشیرم را از غلاف درآورده، نیزه‌ام را به دست گرفته، و دعوت دعوتگری را که در شهر و صحرا بانگ برمی‌آورد، لبیک بگویم.»^(۱۳)

این دو مورد به عنوان نمونه، اعتقاد و باور به رجعت را به عنوان یکی از مهم‌ترین امتیازات یک شیعه محبّ و مطیع و منتظر ظهور حضرت مهدی (عج) مطرح می‌سازد.

رجعت در روایات

درباره رجعت، روایات فراوانی از ناحیه معصومین علیهم السلام به دست ما رسیده است. این روایات به اندازه‌ای است که هر پژوهشگر با انصافی، که این روایات را مورد دقت و بررسی قرار دهد، بی‌شک به متواتر بودن احادیث مربوط به رجعت معتقد می‌شود و هرگز نمی‌تواند تواتر آن‌ها را مورد تشکیک قرار دهد. مرحوم علامه مجلسی می‌فرماید: «چگونه ممکن است شخص با ایمانی که حقانیت اهل بیت علیهم السلام را باور دارد، در مورد



رجعت تردید به خود راه دهد در حالی که قریب به دویست حدیث صریح از معصومین علیهم السلام به طور متواتر به ما رسیده و بیش از چهل تن از بزرگان شیعه از قبیل شیخ طوسی، شیخ مفید، سید مرتضی علم الهدی، شیخ صدوق و کلینی و امثال ایشان در آثار پراچ خود گرد آورده اند... اگر بنا باشد، احادیث مربوط به رجعت - با این کثرتی که ذکر شد - متواتر نباشد، دیگر در هیچ موردی نمی توان ادعای تواتر نمود. (۱۴) اینک برای نمونه به برخی از این احادیث اشاره می شود:

۱. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «ایام الله سه روز است، یکی، روز قیام مهدی (عج)، دیگری، روز رجعت است و سومی، روز قیامت.» (۱۵)

۲. از امام صادق علیه السلام در مورد آیه «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا» (۱۶) سؤال شد؛ ایشان فرمودند: «مردم درباره معنای این آیه چه می گویند؟» عرض شد: «آنان می گویند این آیه درباره قیامت است.» امام فرمودند: «آیا در قیامت از هر امتی تنها یک گروه محشور می شوند و دیگران محشور نمی شوند؟! هرگز، این آیه در مورد رجعت است.» (۱۷)

۳. از امام صادق علیه السلام در مورد رجعت سؤال شد که آیا امری است حقیقی و یا باطل و دور از حقیقت؟ فرمودند: «رجعت حق است» سؤال شد: «اولین کسی که به دنیا باز خواهد گشت کیست؟» فرمودند: «حسین علیه السلام که پس از قائم (عج) به دنیا باز می گردد.» سؤال شد: «آیا همه مردم با او به دنیا باز خواهند گشت؟» امام فرمودند: «نه مردم گروهی پس از گروهی دیگر خواهند آمد.» (۱۸) در جای دیگر از حضرت نقل شده که فرمودند: «حسین علیه السلام با یارانش که به همراه او به شهادت رسیده اند و نیز هفتاد نفر از پیامبران به دنیا باز می گردند و قائم (عج) انگشتر را به او می دهد. حسین علیه السلام است که او را غسل داده و کفن کرده و در قبر قرار می دهد.» (۱۹)

۴. امام رضا علیه السلام در پاسخ سؤال مأمون در مورد رجعت فرمودند: «همانا رجعت حق است، در امت های گذشته بوده است و قرآن نیز در مورد آن سخن گفته است و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آنچه برای امت های گذشته اتفاق افتاده است برای امت من نیز بدون کم و کاست واقع خواهد شد.» (۲۰) در برخی روایات، رجعت لازمه ایمان تلقی شده است: امام صادق علیه السلام فرمودند: «هرکس به رجعت ایمان نداشته باشد و متعه را جایز نداند از ما نیست.» (۲۱)

این ها نمونه هایی از احادیثی بود که پیرامون رجعت به دست ما رسیده است. همان طور که بیان شد، اصل این مسأله مورد قبول همه شیعیان می باشد و هیچ اختلافی در آن وجود ندارد، و اما فروع و مسائل جانبی آن مورد اختلاف است. به عنوان مثال، در رابطه با این که چه کسانی رجعت

خواهند داشت؟ پاسخ روشنی در دست نیست. همچنین درباره این که آیا پس از رجعت تکلیف وجود دارد یا نه؟ و همچنین اولین کسی که به دنیا برمی گردد کیست؟ پاسخ قاطعی از روایات به دست نمی آید. آنچه بر ما لازم است اعتقاد به اصل مسأله رجعت و بازگشت ائمه علیهم السلام و گروهی از مردم به این دنیا، در زمان حکومت حضرت مهدی (عج) و پس از انقضاء امامت حضرت مهدی (عج) می باشد. که این نکته از مجموع آیات و روایات مأثوره از اهل بیت علیهم السلام استفاده شده و به صورت مسأله ای قطعی و غیر قابل تردید درآمده است. علاوه بر این که، علمای شیعه بر صحت رجعت نیز اجماع کرده اند.



پی نوشت ها

۱. المصباح المنیر، ۲۶۶، الرائد ۱، ۸۴۵
۲. رسائل الشریف المرتضی، ۱، ص ۱۲۵ و ۳۰۳
۳. سورة احقاف، آیه ۳۳
۴. سوره یس، آیه ۸۲
۵. سوره بقره، آیه ۷۳
۶. سورة بقره، آیه ۲۵۹
۷. سورة کهف، آیه ۲۱
۸. سوره آل عمران، آیه ۴۹
۹. سوره مائده، آیه ۱۱۰
۱۰. الايقاظ من الہجعة، ۷۲ الی ۹۸، شیعه و رجعت، ۳۷ الی ۱۸۸
۱۱. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۴۴
۱۲. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۳۱
۱۳. مصباح کفعمی، ۵۵۱، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۶
۱۴. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲ - ۱۲۳
۱۵. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۳، حدیث ۵۳، الايقاظ من الہجعة، ۲۳۵، حدیث ۳
۱۶. سورة نمل، آیه ۸۳: «روزی که از هر امتی گروهی را برمی انگیزیم.»
۱۷. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۱، حدیث ۲۷، الايقاظ من الہجعة، ۲۵۷، حدیث ۴۳
۱۸. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳، حدیث ۱۳۰
۱۹. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳، حدیث ۱۳۰
۲۰. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۹، حدیث ۴۵
۲۱. الايقاظ من الہجعة، ۳۰۰، حدیث ۱

